

همراه چیز // سرآغاز //



نیست!

سردبیر

نبوده و در پاره‌ای مواقع نیز به ضرر آن خواهد بود.

ورودی‌ها خودبه‌خود به خروجی مناسب و مطلوب تبدیل نمی‌شوند. الا این‌که فعالیت‌ها و اقداماتی هدفمند انجام دهیم، تا این ورودی‌ها به برون‌داد (خروجی) مورد انتظار و با مطلوب تبدیل شوند. این جاست که مرحله دیگری از سیستم که همان فرایند است اهمیت خویش را باز می‌یابد. یعنی به‌رغم تأمین منابع و امکانات در ورودی‌های سیستم، چنان‌چه از فرایند علمی و درستی پیروی

مطلوب از امکانات موجود یا محدود؛ یعنی این‌که چگونه بتوانیم از منابع و امکانات موجود درست و بهینه استفاده کنیم و از همین ورودی‌های موجود، خروجی‌های مناسب و مفیدی داشته باشیم. به هر حال ورودی‌های سیستم مدرسه را تا حدودی می‌شود تأمین کرد، به اصطلاح تزریق منابع تا حدی، هم ممکن و هم لازم است، چرا که فریگی مفرط ورودی سیستم، همیشه به نفع سیستم

مدرسه به مثابه یک سیستم، یک ورودی دارد، یک فرایند و یک خروجی. میزان کیفیت و کمیت ورودی در خروجی بی‌تأثیر نیست. یعنی اگر مقررات و قوانین ناکارآمدی داشته باشیم، بر نتایج (خروجی) اثر منفی خواهد گذاشت. اگر معلم حرفه‌ای و کارآموده نداشته باشیم، خروجی‌های سیستم مدرسه کیفیت نخواهند داشت. اگر پول و منابع مادی مناسبی نداشته باشیم خروجی مناسبی نخواهیم داشت. در تعریف مدیریت آمده است: «مدیریت و رهبری یعنی استفاده

نکنیم، ورودی‌های ما لطمه زیادی خواهند دید. یا به خروجی تبدیل نمی‌شوند و یا در صورت تبدیل به خروجی، محصول مفید و رضایت‌بخشی نخواهیم داشت.

یکی از مهم‌ترین ورودی‌ها یا درون‌داده‌ها، منابع مالی و به اصطلاح «پول» است. به قول معروف «بی‌مایه فطیر» است. این قبول، اما یادمان باشد، اگر نتوانیم از پول درست استفاده کنیم، چه بسا موجب بروز گرفتاری‌های عدیده و حتی فساد در سیستم می‌شود. منابع و امکانات موجود در ورودی سیستم مدرسه که جز پول، معلم، کتاب درسی، مقررات، ابزارها و تجهیزات و... را شامل می‌شوند، چنانچه بهینه و درست از آن‌ها استفاده نشود معلوم نیست کارآمدی و اثربخشی لازم را داشته باشند. بسیار مشاهده شده است که مدرسه‌ای با وضعیت مالی خوب چندان در رسیدن به اهدافش موفق نبوده و مدرسه‌ای دیگر با وضعیت مالی نامناسب، اما به جهت استفاده بهینه از حداقل منابع خود، بسیار موفق تر بوده است. لذا نقش فرایند و به اصطلاح «مسیری که طی می‌شود تا ورودی به خروجی هدفمند» تبدیل شود، بسیار حائز اهمیت است.

خیال باطل است اگر از فرایند و از اقداماتی که باعث می‌شوند تا ورودی به خروجی تبدیل شود غافل شده و منتظر نتایج مطلوب باشیم.

نوآوری و خلاقیت، مدیریت و رهبری، ارزیابی مستمر و راهنمایی و مشورت و هدایت، از جمله فعالیت‌هایی هستند که در مرحله فرایند صورت می‌پذیرند. چنانچه این فعالیت‌ها ناقص انجام گیرند، مطمئن باشیم یا خروجی‌ای

نداشته و یا بسیار نامطلوب و نامناسب خواهد بود. در اصطلاح کشاورزی، فصل داشت اگر خوب انجام گیرد، کاشت‌ها به برداشت‌های خوب تبدیل می‌گردند و در صورت بی‌توجهی به فعالیت‌ها و اقدامات فصل داشت باید منتظر فصل برداشت بدی باشیم.

بنابراین نتیجه می‌گیریم همه‌چیز پول نیست و آن‌چه بیش از پول در کیفیت و کمیت محصول تأثیر دارد فکر و اندیشه درست و استفاده از روش‌های مناسب در بهره‌گیری از امکانات موجود است. کشور ما کشوری ثروتمند است و منابع طبیعی و خدادادی ما بیشتر از بسیاری از کشورهای دنیاست، اما به دلیل عدم استفاده درست از روش‌ها، فنون و مدیریت مطلوب، نمی‌توانیم نتایج و محصول موردانتظارمان را داشته باشیم.

امروزه مدارس کشورمان از امکانات خوبی در ورودی‌های سیستم برخوردارند و در این خصوص حتی با خیلی از مدارس کشورهای توسعه یافته قابل مقایسه هستند. لکن ما به دلیل بهره نبردن از روش‌ها، اندیشه‌ها، مهارت‌ها و خلاقیت‌های لازم نمی‌توانیم به نتایج مطلوبی دست یابیم. به اصطلاح درست فرایندسازی نشده و یا در مراحل مختلف فرایند اصلاحات لازم انجام نگرفته است و لذا نمی‌توانیم از آن‌چه در اختیارمان هست به شکل خوب و مفیدی استفاده کنیم. به‌ویژه آموزش و پرورش که از فرایندی طولانی تبعیت می‌کند، اصلاح و بهینه‌سازی فرایند آن بسیار مهم است، چرا که پس از خروجی فرصتی نداریم تا به ابتدا برگردیم و ورودی‌هایمان را مجدداً

اصلاح و تربیت کنیم. به اصطلاح فرایند تعلیم و تربیت، تابلوهای دورزدن ممنوع دارد و لذا تضمین کیفیت و اطمینان از درستی راه و روشی که از آن استفاده می‌کنیم بسیار مهم است.

متأسفانه به رغم بسیاری از مطالعات و پژوهش‌ها، که بهره‌نبردن از فنون، روش‌ها و مدیریت و رهبری درست را در هدر رفتن منابع موثر می‌دانند، هنوز اغلب مدیران ریشه حل بسیاری از مشکلات و مسائل و تنگناها را در تزریق منابع در ورودی‌های سیستم می‌بینند و بر این تصورند که اگر قرار باشد مدرسه موفق، دانشگاه موفق، سازمان موفق و یا شرکت موفق داشته باشیم باید به ورودی سیستم پول زیاد تزریق شود. در حالی که ریشه بسیاری از این نابسامانی‌ها در موانعی است که بر سر راهشان وجود دارد. موانع دانشی، مهارتی و نگرشی از جمله آن‌ها هستند. این‌که باور چندانی به باهم کار کردن نداریم، به برنامه‌ریزی بلندمدت اعتقاد نداشته و انتظار زودهنگام داریم، رقابت‌ها را بر نمی‌تاییم و از پیشرفت یکدیگر لذت نمی‌بریم و از اجرای عادلانه قوانین سمری تاییم و رابطه را بر ضابطه ترجیح می‌دهیم، در مهارت‌آموزی و جذب و تربیت نیروهای انسانی کارآمد کاهلیم و برای کار و کار کردن ارزش چندانی قایل نیستیم و... از جمله مصادیق این موانع است که نمی‌گذارد از منابع موجود خوب استفاده کنیم و آن‌ها را هدر می‌دهیم. آن‌چه و آن‌که می‌تواند در این راستا نقش به‌سزایی داشته باشد کارآمدی و اثربخشی در مدیریت و مدیر و رهبر کارا و اثربخش است.